

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

أفضل الزوجة لختم الانبياء ،  
ام المؤمنین خدیجة العذراء

نویسنده: سید سجاد مرعشی مرکز حقایق اسلامی  
کتاب سرور زنان جهان اسلام، ام المؤمنین حضرت  
خدیجه (س)

نویسنده: اکرم سادات هاشمی  
مجله الکترونیکی فرهنگ و هنر، استاد علی دوانی  
دانشنامه ی حضرت خدیجه (س)/مرکز تحقیقات رایانه ای  
قائمیه ی اصفهان

مجموعه فرهنگی نورالهدی

@Noorolhoda\_ir

# حضرت خدیجه سلام الله علیها

نام پدر: خویلد بن اسد

نام مادر: فاطمه بنت زائده

خدیجه کبری (س) اولین و شایسته ترین همسران رسول خداست ایشان در زمره همسران قریشی رسول خدا(ص) به شمار آمده و از جهت قرابت و خویشاوندی نزدیکترین همسران به لحاظ نسبی به ایشان است آن، حضرت دختر خویلد بن عبدالعزی بن قصی بن کالب بود که جناب قصی، جد چهارم پیامبر (ص) میباشد.

بنابراین حضرت خدیجه نیز با چند واسطه دختر عموی پیامبر(ص) بودند و از جهت ریشه خاندانی با یکدیگر متحد میشوند لذا سلسله نسب حضرت خدیجه به حضرت اسماعیل (ع) و ابراهیم(ع) که جد ۲۸ و ۲۹ رسول الله است، میرسد.

در حجاز و شهر مکه در شبه جزیره عربستان در خانواده‌ای که با آداب و رسوم خرافی روزگار بیگانه بود به دنیا آمد. پس از والدت، او خاندانش برخالف رسم سیاه زمانه زنده به گور

کردن دختران ولادت او را گرامی داشتند و پدر و مادرش "خوید" و "فاطمه"، نام او را خدیجه به مفهوم گسسته و بیگانه از زشتیها و ناپسندیها برگزیدند.

## آشنایی و ازدواج با رسول خدا

حضرت خدیجه(ص) وقتی آوازه درستی و امانتداری و خوش خلقی حضرت محمد(ص) را شنید، در پی مذاکراتی با حضرت ابوطالب عموی پیامبر(ص) از برادرزاده او حضرت محمد(ص) برای امور مربوط به داد و ستدها در کاروان تجارتي خود درخواست نمود و حضرت محمد امین(ص) از سوی او و برای تجارت به شام رفت پس از این سفر تجارتي بود که خدیجه(س) توسط میسره، غلامش، با ویژگیهای حضرت محمد(ص) آشنا شد.

برخی از مورخان بر این باورند که، خدیجه به دلیل صداقت، امانت حسن خلق و درستکاری پیامبر(ص)، پیشنهاد ازدواج را مطرح ساخته است. خدیجه(س) به حضرت محمد(ص) گفت عموزاده من به واسطه خویشاوندی که میان من و تو وجود دارد و عظمت و احترامی که در نزد قوم خود داری و

امانت و خوی نیکو و راستگویی که در تو هست میخواهم صریحاً به تو بگویم که مایلم به همسری تو درآیم، نقل است حضرت خدیجه(س) ضمن خواستگاری از رسول خدا(س) شعری عارفانه با مضامین الهی سرودند تا پاکی و درستی عشق خود را به رسول خدا اعلام کنند، پیامبر (ص) موضوع را با عموی خود در میان گذاشت.

---

## سن حضرت خدیجه سلام الله علیها

سن حضرت خدیجه سلام الله علیها برخلاف نقلی که گفته شده، درست نیست؛ یعنی ایشان در زمان ازدواج با نبی مکرم اسلام ۴۰ ساله نبودند، بلکه روایت‌های معتبرتری نشان می‌دهد که ایشان تقریباً هم‌سن رسول خدا صلی الله علیه و اله بودند و در زمان ازدواج مانند آن حضرت، حدود ۲۵ سال داشتند.

باید دقت شود که بعضی از علمای بزرگ مانند علامه جعفر عاملی این نقل را پذیرفته‌اند و اعتقاد دارند که سن حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگامی که با رسول خدا صلی الله علیه و اله پیوند ازدواج بستند، بیشتر از ۲۵ یا ۲۶ سال نبود و حتی قبل از آن هم هیچ ازدواج دیگری نداشته‌اند.

این ناپاکی دارای مصادیق بسیاری است که یکی از آن مصادیق  
آلودگی آباء و اجداد معصومین به انجاس زمان جاهلیت  
میباشد که در این آیه به طور کلی این مساله نفی شده است  
مؤید ما در این مدعی  
عباراتی است که در غالب زیارت نامه های وارده از معصومین  
آمده که فرموده اند:

كنت نوراً في اصلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسك  
الجاهليه بانجاسها؛

یعنی شما نوری بودید در صلبهای مردان بلند مرتبه و در  
رحمهای زنان پاک که جاهلیت شما را با آلودگیهای خود نیالود  
حال اگر کسی معتقد باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری  
این بزرگواران عاری از طهارت و آلوده به انجاس جاهلیت  
باشد در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته و از  
دایره دین خارج میشود با بیان این مقدمه، دیگر وجه  
ناسازگاری بیوه بودن ام المؤمنین (س) واضح و آشکار است.

زیرا بنابر آنچه در تواریخ محرّف در مورد ایشان وارد شده، ام  
المؤمنین (س) قبل از ازدواج با رسول خدا(ص) با دو کافر بت  
پرست به نامهای عتیق بن عائذ مخزومی و ابوهاله ازدواج

نموده و از آنان صاحب اولاد شده بودند که این درست بر خلاف مبانی اعتقادی شیعه است.

زیرا ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست ایشان را از دایره طهارت خارج کرده و قابلیت مادری برای حضرت زهرا(س) و ائمه هدی (ع) را از ایشان سلب میکند؛ به علت آنکه حضرت زهرا(س) و ائمه هدی(ع) از مصادیق آیه تطهیر هستند و میبایست از هرگونه ناپاکی مبرا باشند که یکی از آن ناپاکیها آلودگی پدران و مادران ایشان به آلودگیهای جاهلیت میباشد.

---

## مقدار مهریه حضرت خدیجه سلام الله علیها

در نقل سیره حلبیه دیده میشود آن است که گوید

پرداخت مهریه مزبور را ابوطالب به عهده گرفت و قول دیگری که در سیره حلبیه و سیره ابن هشام و

برخی از تواریخ دیگر آمده آن است که گفته اند:

أُضِدَّقَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) عِشْرِينَ بَكْرَةً.

یعنی رسول خدا (ص) به حضرت خدیجه (س) بیست شتر مادهی جوان مهریه داد و در نقل دیگری نیز آمده که وَرَقَه بن نَوْفَل حضرت خدیجه (س) را با مهریه ی چهارصد دینار به عقد رسول خدا (ص) درآورد و از کامل مبرد نقل شده که بیست شتر را حضرت ابوطالب (ع) به عهده گرفت و دوازده اوقیه و نیم طلا را

خود رسول خدا (ص) پرداخت که مهریه مجموع آنها بود.

در کتاب شریف کافی این گونه است که پس از این ،خطبه عموی حضرت خدیجه (س) خواست به عنوان پاسخ ابوطالب سخن بگوید ولی به لکنت زبان دچار شد و نتوانست از این رو

ام المؤمنین حضرت خدیجه (س) خود به سخن آمده گفت:

عمو جان اگر چه شما به عنوان گواه اختیاردار من هستی ولی در اختیار انتخاب من خود شایسته تر از دیگران هستم و اینک ای محمد من خود را به همسری تو در میآورم و مهریه نیز هر چه باشد عهده ی خودم و در مال خودم خواهد بود اکنون به عموی خود حضرت ابوطالب (ع) دستورده ، تا شتری نحر کند

و ولیمه ای ترتیب دهد.

حضرت ابوطالب (ع) فرمود:

گواه باشید که خدیجه محمد (ص) را به همسری خویش پذیرفت و مهریه را نیز در مال خود ضمانت کرد برخی از قریشیان با تعجب گفتند: شگفتا که زنان مهریه مردان را به عهده گیرند؟

حضرت ابوطالب (ع) سخت به خشم آمده روی پای خود ایستاد و گفت آری اگر مردی همانند برادرزاده من باشد زنان با گرانبهاترین مهریه ی خود خواهانشان میشوند و اگر همانند شما باشند جز با مهریه

گرانها حاضر به ازدواج نمیشوند

و در روایت خرائج راوندی است که چون خطبه عقد به پایان رسید و حضرت محمد(ص) برخاست تا به همراه عمویش حضرت ابوطالب (ع) به خانه برود حضرت خدیجه (س) به آن حضرت عرض کرد: "إِلَى بَيْتِكَ فَبَيْتِي بَيْتُكَ وَ أَنَا جَارِيَتُكَ"

یعنی به سوی خانه ی خود بیا که خانه من خانه تو است و من هم کنیز توام



و از کتاب المنتقی کازرونی نقل شده که چون مراسم عقد به پایان رسید حضرت خدیجه (س) به پیامبر (ص) عرض کرد: **يَا مُحَمَّدُ مَرْغَمَكَ أَبَاطَالِبٍ يَنْحَرُ بَكْرَةً مِنْ بَكَرَاتِكَ وَ أَطْعِمِ النَّاسَ " عَلَى الْبَابِ وَ هَلُمَّ فَقِلْ مَعَ أَهْلِكَ " فَأَطْعَمَ النَّاسَ وَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى أَهْلًا عَلَيْهِ وَ آلَهُ وَ سَلَّمَ فَقَالَ مَعَ أَهْلِهِ خَدِيجَةَ يَعْنِي** ای محمد به عمویت ابوطالب دستور ده شتر جوانی از شترانت را نحر کند و مردم را بر در خانه اطعام کن و بیا در کنار خاندانت چاشت را به استراحت بگذران.

و حضرت ابوطالب (ع) این کار را کرد و رسول خدا (ص) نزد حضرت خدیجه (س) آمده و در کنار او به استراحت روزانه پرداخت و این دو حدیث دال بر کمال علاقه عشق حضرت خدیجه (س) نسبت به رسول خدا (ص) دارد چنانچه تا پایان عمر این عشق را نسبت به آن

و

حضرت حفظ کرده بود.

اما افرادی که چنین بصیرتی نداشتند از جمله گروهی از زنان قریش سخت حضرت خدیجه (س) را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند تا آنجا که گفتند او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که

جوانی فقیر است تن به ازدواج داد چه ننگ بزرگی حضرت خدیجه (ص) که انتخابش از سر شناخت و معرفت بود محکم و قرص بر انتخاب خویش پای فشرد و در جواب سخنان ناشی از جهالت و بیخبری آنها گفت ای زنان شنیده ام شوهران شما و خودتان در مورد ازدواج من با محمد خُرده گرفته اید و عیبجویی میکنید من از خود شما میپرسم آیا در میان، شما فردی مانند محمد وجود دارد؟

آیا در شام و مکه و اطراف آن شخصیتی به سان ایشان در فضائل و اخلاق نیک سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگیها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده ام که بسیار عالی است.

---

## وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها

وقتی روح حضرت خدیجه (س) به سوی جهان جاودان پر کشید پیامبر (ص) سخت گریست. در قبرستان حَجُونِ قبری برایش، کردند پیامبر (ص) خود به راه افتاد؛ همچنان که اشک از چشمانش میبارید با دست خویش همسرش را در قبر گذاشت حضرت فاطمه (س) تنها یادگار امّ المؤمنین حضرت خدیجه (س) گرد پدر میگشت، خود را به دامان او، می

آویخت بهانه مادر میگرفت و دل دردمند پدر را آتش میزد

پیامبر(ص) جز سکوت چیزی نداشت؛ جبرئیل نازل شد و گفت ای پیامبر به فاطمه بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته که درونش آشکار است و در آنجا هیچ سختی و تلخی نیست.

به این ترتیب فرشته ی الهی پایان رنجها و محنتهای حضرت خدیجه(س) را اعلام کرد.

وفات حضرت خدیجه (س) به فاصله اندکی از رحلت اندوهبار حضرت ابوطالب (ع) رخ داد، محققان زمان وفاتش را سه سال قبل از هجرت میدانند پیامبر اکرم (ص) آن سال را "عام الحُزن"؛ سال غم و اندوه نام نهاد و در واقع یک سال اعلام عزای عمومی نمود.

حضرت خدیجه (س) در آخرین لحظات زندگی وصایائی به شرح زیر به پیامبر اکرم(ص) نمود:

۱- هر کوتاهی که در حقت کرده ام مرا عفو کن

۲- مراقب فاطمه باش، او بعد از من یتیم و قریب میشود ،  
مبادا کسی از زنان قریش به او آزاری برساند

۳- عبائی را که به هنگام نزول وحی بر دوش داشت روی کفن  
او قرار دهد

حضرت خدیجه (س) که همه اموال منقول و غیرمنقولش را  
به حبیب خود بخشیده بود در مقابل فقط یک عبا مطالبه نمود  
و آن را مستقیماً طلب نکرد بلکه به وسیله حضرت فاطمه (س)  
تقاضا کرد. آنگاه پیک وحی فرود آمد و کفن بهشتی از سوی  
پروردگار از بهشت آورد.

پیامبر رحمت (ص) نخست با عبای خود او را کفن، کرد آنگاه  
کفن بهشتی را بر روی آن قرار دادند. امّ المؤمنین حضرت  
خدیجه (س) در آن لحظات آخر در مورد حضرت زهرا (س)  
ابراز نگرانی کرد، اسماء بنت عمیس تعهد نمود که در شب  
زفاف او به جای خدیجه (س) نقش مادری ایفا کند

پس از ارتحال حضرت خدیجه کبری (س) منزل مسکونی اش  
به عنوان یکی از مشاهد مشرفه، همه ساله مورد بازدید هزاران  
زائر، مشتاق و الهام بخش حجاج بیت اهل الحرام بوده است.

ابن بطوطه جهانگرد نامی مینویسد

## ساختند

9

از مشاهد مشرفه در نزدیکی مسجد الحرام "قُبَّةُ الْوَحْيِ" است که در سال 727 ه.ق بر قبر وی آن خانه ام المؤمنین خدیجه سلام الله علیها میباشد که متاسفانه در سال ۱۳۴۴ ه.ق به وسیله ی فرقه ضاله وهابیت ویران شد شیخ انصاری قدس سره در مناسک حج خود مینویسد در مکه معظمه مستحب است که حجاج خانه خدا به منزل حضرت خدیجه (س) شرفیاب شوند.

## زیارت نامه حضرت خدیجه سلام الله علیها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ سَيِّدِ  
الْمُرْسَلِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ  
الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ  
أَنْفَقَتْ مَالَهَا فِي نُصْرَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ ، وَ نَصْرَتُهُ مَا اسْتَطَاعَتْ  
وَدَافَعَتْ عَنْهُ الْأَعْدَاءَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ ، وَ  
بَلَّغَهَا السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ ، فَهَنِيئاً لَكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ ،  
وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

سلام بر تو ای مادر مؤمنان سلام بر تو ای همسر سرور  
فرستادگان سلام بر تو ای مادر فاطمه زهرا سرور بانوان دو  
جهان سلام بر تو ای نخست بانوی مؤمن سلام بر تو ای آن که  
دارائیش را در راه پیروزی اسلام و یاری سرور انبیا هزینه کرد  
و دشمنان را از او دور ساخت سلام بر تو ای آن که بر او  
جبرئیل درود فرستاد و سلام خدای بزرگ را به او ابلاغ کرد  
این فضل الهی گوارایت باد و سلام و رحمت  
و برکاتش بر تو باد.